



بررسی تأثیر جریان فراواقع گرایی بر تصویرسازی در آثار جهانی دهه هفتاد

مهسا فیروزی

کارشناسی ارشد تصویرسازی، گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنرهای تجسمی هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر جریان فراواقع گرایی بر تصویرسازی در آثار جهانی دهه هفتاد می باشد. روش تحقیق توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای می باشد. نتایج نشان داد مولفه های سبک سوررئالیسم در آثار هنرمندان تصویرگر جهان شامل چند مورد است. در آثار تصویرگران سوررئالیست خارجی با ترکیب کردن دو یا چند فضا مواجه هستیم که هر کدام هویت مستقل خود را حفظ کردن، تا بتوانند یک اثر یکپارچه را نشان بدهند. هنرمند سوررئالیستی برای بیان رویاهای خود از ادغام عناصر بصری استفاده می کند. مولفه ترکیب زمانی شکل می گیرد که هنرمند در ترکیب عناصر شباهت فرم و ارتباط دو موضوع را در نظر نداشته باشد. در این مولفه هنرمند برای ایجاد یک فضای سوررئال و رویاگونه علاوه بر ترکیب عناصر بدون در نظر گرفتن شباهت فرمی از مولفه چند پاره شدن فضا هم استفاده می کند. مولفه جایگزینی شباهت به ترکیب دارد؛ اما تنها تفاوت جایگزینی با ترکیب این بوده است که در جایگزینی یکی از موضوعات به خاطر شباهت دیداری یا مفهومی جایگزین دومین موضوع می شود. تصویرگر با استفاده از شکستن مرزها به صورت اتفاقی با استفاده از تلفیق اشیاء بی ربط و ناهمگون، الگوی ذهنی مخاطب را از بین می برد و باعث ایجاد یک فضای جدید که برای مخاطب آشنا نیست می شود. هنرمند سوررئالیست کمتر به هماهنگی متن با تصویر اهمیت می دهد. گاهی خود داستان به کمک تصویرگر می آید یا هنرمند با خلق فضایی جدید به یک تفسیر متفاوت از متن کمک می کند. مهم ترین مولفه تصویرگران سوررئالیست در جهان، استفاده از عجایب نگاری است.

واژگان کلیدی: جریان فراواقع گرایی، تصویرسازی، آثار جهانی دهه هفتاد، ادغام عناصر بصری



مقدمه

سوررئالیسم با هدف فراتر رفتن از مرز ادبیات و هنر و با در نظر گرفتن زیربنای فکری که واقعیت و رویا را با هم ادغام و شکل جدید از آن را به وجود آورند، معتقد بودند واقعیتی پنهان که فراتر از واقعیت موجود در جهان هستی هستند. در سوررئالیسم خلق واقعیتی جدید و آزاد شدن از قید منطق و واقعیت هدف اصلی هنرمند است، در این جریان سوررئالیسم به قوهی تخیل، رویا و ضمیر ناخودآگاه هنرمند اصالت داده می شود و هنرمند می کوشد تا در خلق یک اثر فاخر از بند عقلانیت رها شود و به صورت های مکتوب در روح و روان خود تجلی خارجی بخشد؛ آنان معتقد بودند برای رسیدن به هدف والای سوررئالیسم نیاز به عقل هوشیار ندارند و باید تلاش کنند که روح خود را فراتر از چارچوب عقلی خود ببرند.

شاخصه سوررئالیست در اصل نوعی رسیدن به آزادی مطلق در شکل و محتواست که سوررئالیست ها آن را نوشتار و بیان اتوماتیک یا خودکار می خوانند و فروید نیز تاکید کرد که اتفاقی مانند رویا در خواب را نباید پدیده هایی بدون معنا و تحلیل ناپذیر قلمداد کرد و برعکس باید آن ها را شامل واکنش هایی از ذهن انسان در نظر گرفت که در آن ها، به دلیل رها شدن من از سلطه ی فراتر من، می توان به شکل ها و محتواهای هر چند تخریب شده از بیان ذهنیت انسان می توان به آن دست یافت. هدف هنرمند سوررئالیستی فرافکنی تناسخ های مخفی در دنیای اشیاء است و در مبادله ی دائمی عینی و ذهنی. در واقع نوعی تصور درونی وجود دارد، اما نه مفهوم مطلق، بلکه به این معنی که در تصورات درونی در همزیستی با بازنمودهای بیرونی تظاهر می کند (سید حسینی، ۱۳۹۴). «آنان می خواستند به مردم بیاموزند که ناخودآگاه خود را کشف کنند و نشان دهند که چگونه می توانند به شگفتی های تخیل که حتی بر خود فرد هم پوشیده است، دست یابند. بدین سان نگارش خودکاری روانی که برپایه اندیشه های فروید هست را مهم ترین روش کار خود قرار دادند» (کمبریج، ۱۳۹۵).

از نظر فلسفی محض سوررئالیست ها بیش از همه خود را به اندیشه آلمانی نزدیک می دیدند. برای آن ها به ویژه برای برتون: آلمان «کشور شگفت انگیزی است سراسر اندیشه و روشنایی که در یک قرن تولد کانت، هگل، فوئر باخ و مارکس را به خود دیده است». آن ها اما دچار نوعی بدبینی و خشم هم نسبت به ملت آلمان نیز شدند و این بدین سبب بود که می دیدند که پس از جنگ جهانی اول، و در اثنای جنگ دوم، ناسیونالیسم^۱ دیوانه واری سبب شده است که چنین ملتی همه آن خدمتی را که به سیر اندیشه جهانی کرده است، فراموش کند (بیگزبی، ۱۳۷۹).

آندره برتون^۲ در دوران جنگ و در مرکز عصب شناسی (در نانت) علاوه بر آن که نفرت شدیدی از جنگ و هنر و ادبیات در خدمت بورژوازی پیدا کرده بود، بخاطر کار با زخمی ها و موجی ها آشنایی بیشتری با نظریات فروید^۳ پیدا کرد و خصوصا تاثیر عمیقی که «وشه» بر او گذاشت، باعث شد بیش از پیش (برتون از اعضای دادا به شمار می رفت) نسبت به منطق و آداب موجود در عالم، گریزان شود و بدنبال حقیقت به مرزهایی فراتر از آگاهی مرسوم گام بردارد و در آن زمان بخاطر زمینه های بسیاری که وجود داشت عالم ناخودآگاه را سرزمینی می دانست که فراتر از آگاهی معمول قرار داشته و لذا بنیان حقایق را در آنجا می جست (احمدی، ۱۳۹۱).

از سوی دیگر تصویرگری برآمده از هنر نقاشی است و تصویرگر بدون رویکرد به نقاشی و ویژگی های آن فرایندی نیمه تمام و ناکافی را دنبال کرده است. تصویرگری وابسته به متنی است که با فراهم سازی تصویرها بر پایه داستانی و یا غیر داستانی آن صورت گرفته، درحالی که نقاشی می تواند بر اساس خیال و تصور آنی که در ذهن هنرمند شکل گرفته باشد. پیروی تصویرگر از متن به همراهی هنرمند با آن می انجامد. درحالی که نقاش در خلق اثر خود از استقلال کامل برخوردار است. اصل سادگی، رسایی و خلاصه پردازی تصویرگری، هماهنگ با ویژگی سنی صورت می گیرد، درحالی که هنرمند نقاش بازتاب اندیشه های خود را بدون توانایی مخاطب انجام می دهد» (اکرمی، ۱۳۹۴). با توجه به مطالب ذکر شده هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر جریان فراواقع گرایی بر تصویرسازی در آثار جهانی دهه هفتاد می باشد.

¹ Nationalism

² Andre Breton

³ Freud



مکتب سوررئالیسم یا فراواقع گرایی

برای کسی که از بیرون ناظر است سوررئالیسم هیولائی شگرف و نامعقول است. اما برای کسی که توانسته باشد وارد آن شود، خارق العاده ترین کشف و شهود انسانی است. اولی گمان می کند که انحصار عقل سلیم را در اختیار دارد، اما دومی از ورود در دنیاهای نامکشوف «فراواقعیت»، یعنی نه در غیرواقعی بلکه در «قلب واقعیت» سرمست می شود (سید حسینی، ۱۳۸۷). همچنین می توان گفت سوررئالیسم «فراواقعیت نیست بلکه قیام علیه واقعیت است» (فتوحی، ۱۳۹۷). مشخص است سوررئالیسم از اول پیدایش، دچار تحولات و دگرگونی های عمیقی شده است و به همین دلیل تعاریف متنوعی از دیدگاه های مختلف در این باره وجود دارد. در اینجا ذکر برخی تعاریف مهم و ضروری به نظر می رسد: «سوررئالیسم، مشتق از سور^۴ به معنی فوق، بالا یا روی و رئال^۵ به معنی واقعیت، ورای واقعیت یا آن سوی واقعیت، برخی آن را وهمگرایی هم معنی کرده اند. به عبارت دیگر، سوررئالیسم به معنی بیان احساس یا اندیشه خاص به طوری که هیچ گونه زمینه فکری قبلی یا وابستگی ذهنی یا تعصب و هیچ گونه ملاحظه اخلاقی یا قواعد هنری و ادبی و زیبایی شناسی آن را برنینگخته باشد و در آن تأثیر نکند، نامیده می شود. پس سوررئالیسم عبارت از نوعی عمل فکری است که می خواهد به وسیله زبان یا قلم و یا هر گونه ابزاری، جریان واقعی عمل تفکر را بیان کند. البته به نوعی از تفکر مشهور است که خارج از تحکم عقل و هر گونه تقلید و تعهد به قوانین زیبایی شناسی و اصول اخلاقی باشد. از نظر دیدگاه های فلسفی نیز، سوررئالیسم به فلسفه اخلاقی که با هر گونه قرار داد مخالف است و به فلسفه اجتماعی که می خواهد با ایجاد انقلاب «سوررئالیستی» بشریت را آزاد کند و برای حصول به این مقاصد به روش های هزل، رویا، دیوانگی، آشفتگی و بدیهی سازی می پردازد» (جونز، ۱۳۸۷).

تصویرسازی

تصویرسازی عبارت است از مجموعه اشکالی که پیام یا روایت و قصد و سوژه، موضوع و مفهوم یا تصویری را در غیبت واژه ها و جملات یا در کنار عبارات و نوشته ها مصور می کند. در تصویرسازی جنبه های تزئینی بر زیباشناسی مستقل از پیام و موضوع تقدم دارد. تزئین در خدمت تلطیف شگردهای ابلاغ پیام است و هدف آن تأثیرگذاری برگیرنده ی پیام می باشد. کامران افشار مهاجر تصویرسازی را این گونه تعریف می کند: «تصویرگری یعنی، کاربرد نشانه های دیداری به صورت شمایی که در آن تصاویر می توانند به عنوان یک وسیله ی ارتباطی بخشی از اطلاعاتی را که ریختن آن ها در قالب کلمات دشوار است، منتقل کنند. به زبان ساده می توان گفت که کار تصویرگری عبارت است از تجسم بصری یک موضوع، مفهوم، یا احساس، برای نمایش و درک بهتر آن، تصویرگری از یک سو ارتباط نزدیک با ادبیات دارد و عناصر محتوایی خود را از ادبیات وام می گیرد و از سوی دیگر، به نقاشی وابسته است و عناصر دیداری بیان خود را با وام گرفتن از نقاشی بیان می کند» (افشار مهاجر، ۱۳۸۸). از هنرمندان نقاش ایرانی می توان به علی اکبر صادقی و ایران درودی و... نام برد، که آثار برجسته ای با ویژگی سوررئالیستی خلق کرده اند. آثار علی اکبر صادقی، نقاش و تصویرگر کتاب های کودکان، در عرصه ی نقاشی، نمایش خیال و رویایی دلنشین از نگاه سوررئالیستی به جهان هستی است. او در مجموع آثارش که با رنگ روغن نقاشی شده، فضایی شگفت انگیز از انسان، تنهایی و جهان اطرافش به نمایش می گذارد. نقاشان سوررئالیست، با افزودن بر عناصرهای رویایی و نشانه هایی از جنون، کابوس و تخیل هنرمند به چشم می خورد. پناه بردن به دنیای ذهنی هنرمند، گاه چنان شخصی و خیال اندیشانه است که جزء در ذهن هنرمند، معنا نمی پذیرد.

یافته ها

ابتدا به معرفی هنرمندان تصویرساز سوررئالیسم جهان در سه دهه اخیر (از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۰م) پرداخته می شود.

⁴ Sur

⁵ Real



۱. دیو مک کین^۶

دیو مک کین (۹۳ دسامبر ۱۹۶۳م) تصویرساز، گرافیکست، کارگردان سینما و آهنگساز معروف بریتانیایی که او در حال حاضر در جزیره آکسنی در کنت انگلستان زندگی می کند؛ بخش عمده ای از شهرت دیو مک کین به دلیل همکاری با نویسنده معروف بریتانیایی نیل گیمن می باشد. به عنوان مثال "تصویرسازی کورالین" کتاب معروف نیل گیمن توسط دیو مک کین صورت گرفته است و تصویرسازی "کتاب دیوار گرگ دارد"، که هر دو این آثار توسط فرزند فرید ترجمه، و نشر پریان آن ها را منتشر کرده است.

کتاب "دیوار گرگ دارد"، از کابوس دختر چهار ساله نویسنده، نیل گیمن تاثیر گرفته است. قهرمان این داستان، مَدی دختر بچه ای است که جرئت می کند با گرگ هایی که داخل دیوارها هستند و خانه ی آن ها را گرفته اند، مبارزه کند. مک کین در تصویرسازی این کتاب از تکنیک های متنوعی استفاده کرده است؛ تصویرگری عجیب دیو مک کین در تلفیق رنگ های تیره و روشن و براق سبز و سیاه که نور را در تاریکی نشان می دهد، عکاسی، طراحی و تصویرسازی کامپیوتری از روی عکس انجام داده است؛ آنقدر داستان را زیبا و هیجان انگیز کرده است که مخاطب را مجبور می کند که قبل از خواندن، اول تصویرها را ببیند و این موضوع، ذهن نوجوانان داستان را چنان در واقعیت بازتاب می دهد، که ما نمی توانیم رخدادهای ذهن را از رخدادهای بیرونی جدا کنیم (تصویر ۱).



تصویر ۱: دیوار گرگ دارد، تصویرگر: دیو مک کین، ۲۰۰۳م (URL1).

تصویرسازی های مک کین از نظر انتخاب متریال و سبک، بیشتر به سمت انتزاع، اکسپرسیونیسم و سوررئالیسم رفته است. تمام آثار دیو مک کین بیانگر رویاها و کابوس های ترسناکی از آدم هایی با صورت های عروسکی هستند. این هنرمند تصویرساز به خوبی توانسته است، فضایی متشکل از دو یا چند تصویر ایجاد کند که به شیوه هنرمندانه ای در یک اثر دیده و قابل تشخیص باشد (تصویر ۲).



⁶ Dave Mackean

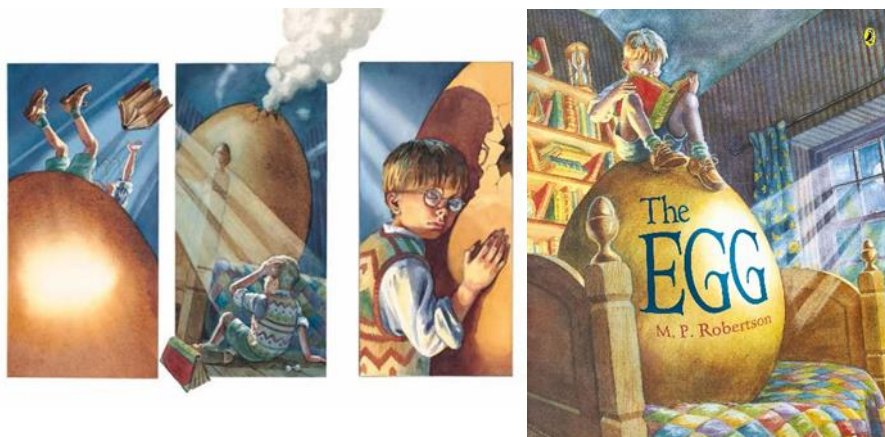


تصویر ۲: از راست به چپ: کاور کتاب مرد شنی، بدون عنوان، کاور فیلم‌های کوتاه، تصویرگر: دیو مک‌کین، کلاژ، ۲۰۱۸م (URL2)

۲.۱ ام پی رابرتسون^۷

ام. پی رابرتسون (۲۳ مارس ۱۹۶۵م) او با خانواده‌اش در ویلتشایر انگلستان زندگی می‌کند، او نویسنده و تصویرگر کتاب‌های کودکان و نوجوانان مشهور بین‌المللی است. بسیاری از کتاب‌های او برای فرانسیس لینکلن عبارتند از: نجات اژدهای بزرگ، تخم مرغ، اژدها قاپی، فرانک ان استن، زنجیره غذایی است. یکی از بهترین آثار مارک رابرتسون مجموعه چند جلدی تخم مرغ است. قهرمان این داستان، جورج می‌داند که چیزی درست نیست و به زودی متوجه می‌شود که از یک بچه اژدها مراقبت می‌کند. جورج کار خود را به عنوان پدر و مادر جدی می‌گیرد و انواع روش‌های اژدها را به بچه جوجه می‌آموزد، اما اژدها شروع به رشد کردن می‌کند و یک روز ناپدید می‌شود.

این مجموعه رابرتسون، یک نمونه موفق خارجی در سبک تصویرسازی فانتزی با جزییات بالا است که متأسفانه در ایران موفق نبوده است؛ این سبک نه تنها می‌تواند با زبانی راحت و به دور از هرگونه انتزاع تخیلات یک کودک را تحریک کند بلکه همان تاثیر را به مدد قدرت تصویرگری بالای خود، بر بزرگسالان هم داشته باشد (تصویر ۳).



تصویر ۳: تخم مرغ، تصویرگر: ام.پی رابرتسون، ۲۰۰۸م (URL3)

در تصاویر مدنظر با وجود اینکه سوژه‌ها با کادر تناسب ندارند اما منطقی و دارای پرسپکتیو و سه بعدی نمایی می‌باشند. فضا بسیار طبیعت‌گراست و بزرگی سوژه‌ها چیزی کاملاً منطقی و عادی می‌باشد. مهم‌ترین نکته‌ای که در آثار رابرتسون دیده می‌شود اغراق زیاد در یک فضای رئالیستی است. رنگ آمیزی اثر به صورت عینی و رئالیستی انجام گرفته است، و مناسب با تجسم دقیق کودکانه پرداخت شده است. زمانی که در یک فضای واقعی استفاده از ابزار اغراق یک اتفاق به دور از واقعیت شکل می‌گیرد، این اثر از حالت رئالیستی خارج می‌شود و از آنجا که در آن ردپای خیال‌پردازی کودکانه دیده می‌شود، به همین دلیل جزء آثار سوررئالیسم قرار می‌گیرد و از این منظر با اثری دو بعدی روبرو هستیم.

۳. مارک ریدن^۸

⁷M-p-Robertson

⁸Mark Ryden



مارک ریدن (۲۰ ژانویه ۱۹۶۳م) نقاش و تصویرساز آمریکایی است که به او لقب پدرخوانده سوررئالیست پاپ^۹ داده‌اند. او برای نوازندگان برجسته آثار هنری از جمله: عشق در آسانسور از آتروسمیت، خطرناک از مایکل جکسون و یک دقیقه داغ ردهات از چیلی پپر را طراحی کرده است؛ همچنین سعی می‌کند از اصول اولیه سوررئالیسم پیروی کرده و از اشیائی که اسرار را برانگیزد استفاده کند، مانند: اسباب بازی‌های قدیمی، مدل‌های آناتومیکی، حیوانات عروسکی، اسکلت‌ها و عبارات مذهبی. مجموعه آثار "سیرک لینکولن" که توسط مارک ریدن خلق شده است، توانسته مرزهای هنرهای سنتی را درهم بشکند و ژانر جدیدی از فرهنگ پاپ و سوررئالیسم ایجاد کند (تصویر ۴).



تصویر ۴: سیرک لینکولن، تصویرگر: مارک ریدن، ۲۰۱۱م (URL4).

در دنیای ریدن چهره‌های عجیب و غم‌انگیزی را می‌بینیم، و ریزه کاری‌های ظریف و زیبا که تجملی از آثار دوره باروک را به یاد مخاطب می‌اندازد. رنگ‌های اثر جنبه فانتزی دارد، رنگ‌هایی شاد و دخترانه که در تناقض با حالات چهره اشخاص درون کادر است؛ چهره‌هایی که شادی افراطی را نشان می‌دهند. این هنرمند در تمام آثار این مجموعه یک تلخی، رکود و مسخ‌شدگی را با رعایت اصول اولیه سوررئالیسم، که ترکیب اشیاء مرتبط با غیر مرتبط در یک فضا است را برای یک بیان اغراق آمیز فانتزی استفاده می‌کند، اما با کمی دقت می‌توانیم متوجه رد پاهای پیام‌های اجتماعی این آثار در حیطه عجایب‌نگاری‌های ناب بشویم.

۴. آنا برزویسکایا^{۱۰}

آنا برزویسکایا (۱۹ ژانویه ۱۹۸۶م) در شهر مسکو به دنیا آمده است. او تحصیلات هنری خود را در استودیوی هنری خصوصی در سال ۲۰۰۰ آغاز کرده است؛ و از سال ۲۰۰۵ تا به امروز عضو انجمن حرفه خلاق روسی است. آثار او در نوع خود بی‌نظیر و به راحتی با سبک منحصر به فردش قابل تشخیص است. برزویسکایا از طریق سبکی مشخص که از آن به عنوان رئالیسم شاعرانه یاد می‌کند، تکنیک‌های منحصر به فرد رئالیسم، انتزاع و سوررئالیسم را گرد هم می‌آورد. استفاده او از مضامین جهانی، با الهام از زندگی و تخیل خود هنرمند، فراتر از زمان و مکان است؛ در حالی که هر یک از کارهای او قطعه‌ای جداگانه و متمایز

به شاخه‌ای از هنر زیرزمینی اطلاق می‌شود که برای اولین بار در اواخر دهه ۷۰ ظهور کرد.^۹

¹⁰Anna Berezovskaya



است. رشته مشترکی که آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد، احساسات قوی هنرمندانه برزوئیسکایاست که در تمام آثارش دیده می‌شود (تصویر ۵).



تصویر ۵: صبح، تصویرگر: آنا برزوئیسکایا، رنگ روغن، ۵۵*۴۵ سانتی متر، ۲۰۱۴ م (URL5)

برزوئیسکایا از نمادگرایی برای خلق آثار جاودانه خود روی بوم و کاغذ استفاده می‌کند و با دقت، موضوعاتی را انتخاب می‌کند که از زمان و مکان فراتر می‌روند تا ایده‌ها و احساسات را منتقل کنند. او با این کار از فرهنگ و ادبیات روسیه الهام گرفته است، برای مثال، مارپیچ روی پوسته حلزون نماد زندگی است. با کنار هم قرار دادن این نمادها، دنیایی را به تصویر می‌کشد که پر از معنا و داستان‌های خاص هنرمند است.

اثر "نبرد دریایی"، یکی از نمونه آثار برزوئیسکایاست که به خوبی از تلفیق دو فضا حمام و دریا، و اغراق در استفاده از اشیاء مرتبط در یک فضایی با فرم‌هایی واقع نما در پرداخت اشیاء و حالات چهره است؛ که این ویژگی‌ها وجه اشتراکی با اثر صبح برزوئیسکایا دارد که با توجه به جنبه خیال‌پردازانه موجود در این دو اثر می‌توانیم آن‌ها را در حیطه عجایب‌نگاری سوررئالیسم قرار دهیم (تصویر ۶).



تصویر ۶: نبرد دریایی، تصویرگر: آنا برزووسکایا، رنگ روغن، ۱۰۰*۱۰۰ سانتی متر، ۲۰۱۷م (URL6).

۵. جیک یرکالان^{۱۱}

جیک یرکالان (۱۳ دسامبر ۱۹۵۰م) در شمال لهستان متولد شد، آثار او شامل ساختمان‌هایی با معماری دوره گوتیک و آجرهای قرمز است که از دوران کودکی خود الهام گرفته است، آثار او به شکلی است که انگار همه چیز در یک لحظه و توسط یک انفجار مهیب به وجود آمده است و فضایی فراواقعی و معلق در کادر، دورنمایی از شهرهای عجیب در آن سوی ابرها را به تصویر کشیده است.

اثر "شهر فرود می‌آید"، یکی از نمونه آثاری است که یرکالان از معماری دوره گوتیک الهام گرفته است. با پراکندگی ساختمان‌ها سعی دارد در این اثرش یک اتفاق ناتمام را تداعی کند. در اثر نیرویی عظیم در حال بلعیدن شهر است. فرم‌های تصویر فرم‌هایی پرداخت شده و طبیعت‌گرا می‌باشد؛ که می‌توان سبک معماری و پوشش گیاهی و جغرافیایی اثر را مورد مطالعه قرار داد. با تمام پرداخت‌های موجود در این اثر، نمی‌توان آن را یک تصویرسازی واقع‌گرا نامید، بلکه قرار گرفتن این فرم‌ها در یک کل غیرواقعی در نهایت اثری سوررئالیسم بوجود آورده است (تصویر ۷).



تصویر ۷: شهر فرود می‌آید، تصویرگر: جیک یرکالان، ۲۰۱۴م (URL7).

¹¹ Jake Yerkan



۶. کریستین رکس ون مین^{۱۲}

کریستین رکس ون مین (۱۹ اکتبر ۱۹۸۰م) در پراویدنس، رود آیلند متولد و در کلرادو بزرگ شده است، پدرش روان درمانگر بود اما بیشتر با عموهایش که ماهیگیر بودند و یک بازار ماهی در چارلزتون به نام راثبونز داشتند در ارتباط بوده و به همین دلیل آشنایی با فضای بازار تاثیر زیادی بر آثارش گذاشته است. او تصویرسازی و نقاشی را از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۶ به عنوان یک حرفه انتخاب کرد. ون مین کار خود را ترسناک توصیف نمی کند که با مرگ مرتبط است، بلکه زندگی و رسیدن به پوچی را بیشتر مدنظر قرار می دهد (تصویر ۸).



تصویر ۸: بوفه بزرگ غربی، تصویرگر: کریستین ون مین، ۲۰۱۴م (URL8).

اثر فوق از ون مین با روحیه خاص و رویکرد به آثار استادان قدیم را همراه با اعوجاج های سوررئالیستی، با وسواس بسیار عجیب و غریب مختص خود به تصویرسازی پرداخته است، که یادآور سبک های کلاسیک دوره رنسانس می باشد. در این اثر با دنیایی روستایی مواجه هستیم که در نگاه اول، انبوهی از محصولات گوشتی و میوه ها را در یک جا می بینیم؛ اما با کمی دقت می توان پرتله هایی را در آن تشخیص داد که از کنارهم قرارگیری عناصر ریز و درشت و کاملاً اتفاقی، از طریق خطای چشم مخاطب بوجود آمده اند که به ظاهر موجوداتی جاندار و مهیب، در عین حال مضحک و زشت را بوجود آورده است. ون مین در این اثر با القای ویژگی های طنز آمیز و خنده آور، توانسته با وجود بزرگ نمایی فانتزی و استفاده از موجوداتی عجیب، بر حس ترس مخاطب غلبه کند.

۷. یوهی هوریشیتا^{۱۳}

یوهی هوریشیتا (۲ نوامبر ۱۹۸۲م) تصویرساز ژاپنی است که خودش می گوید بعد از مدت ها سفر و اقامت در جاهای مختلف، مقیم یک آپارتمان کوچک در نیویورک شده است، در دانشگاه هنر و طراحی خوانده و چند جایزه هنری و گرافیکی دریافت کرده است. ابزارهای کار این طراح ژاپنی متریال مدادرنگی، رنگ و روغن، فتوشاپ هستند و برای الهام گرفتن داستان های خود به سراغ داستان های قدیمی و افسانه ها یا اتفاقات روزانه می رود (تصویر ۹). در اثر "تنها سپیده به دیده می آید و ماه"، هوریشیتا به خوبی اصول سوررئالیسم را رعایت کرده است. این دو نمونه اثر از دو یا چند تصویر هستند که به شیوه هنرمندانه ای درهم

¹² Christine Rex Van Minen

¹³ Yohey Horishita



ادغام شده‌اند، تا تمام اجزاء در یک کلیت یکپارچه نشان داده شوند و در عین حال هر تصویر قابل تشخیص باشد. یکی دیگر از شیوه‌های هوریشیتا که باعث می‌شود آثارش در حوزه سوررئالیسم قرار بگیرد جان دادن به اشیاء بی‌جان است.



تصویر ۹: از راست به چپ: تنها سپیده به دیده می‌آید و ماه، بدون عنوان، تصویرگر: یوهی هوریشیتا، ۲۰۱۴م (URL9).

۸. نیک شییه^{۱۴}

نیک شییه (۲۳ دسامبر ۱۹۸۰م) نقاش و تصویرگر استرالیایی است که در لندن زندگی می‌کند. در آثار نیک شییه استفاده از حیوانات بومی استرالیایی به عنوان یک مشخصه، قابل تشخیص است (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰: از راست به چپ: گرگ، بدون عنوان، قبل از آتش، تصویرگر: نیک شییه، ۲۰۱۴م (URL10).

¹⁴Nick sheehy



آثار نیک شبیه با موجوداتی عجیب و غریب پیوند خورده است، مانند اثر "گرگ" شبیه که موجودی پرنده مانند با ترکیبی از سر اسکلت به موجودی عجیب الخلقه حمله می‌کند. دو اثر دیگر که موجوداتی خیالی با بدن‌ها و سرهای تلفیقی از انسان و حیوانات هستند. در این سه اثر موجوداتی عجیب الخلقه‌ای هستند که بافت‌ها، حجم‌پردازی‌های واقع‌گرایی دارند که تداعی کننده عجایب نگاری‌های باستانی می‌باشد. این موجودات عجیب که با گذشت به عجایب‌نگاری لقب گرفته‌اند و بدون شک می‌توان این آثار را زیرمجموعه فراواقع‌گرایی قرار داد.

۹. تری فان^{۱۵}

تصویر (۱۱) از مجموعه تصویرسازی برای کتاب‌های کودک با نام تاریک‌ترین^{۱۶} است که در سال ۲۰۱۷ توسط تری فان خلق شده است، آموزش هنرهای معاصر خود را در کالج هنر تورنتو کانادا دریافت کرده است. کار او ترکیبی از تکنیک‌های سنتی و معاصر، با استفاده از جوهر یا گرافیت مخلوط با دیجیتال است. در اثر مد نظر شاهد بهم ریختن تناسبات هستیم و این روش تبدیل به یک روش اثبات شده برای بیان تخیل، هیجان و ترس‌های کودکان شده است. هیولا در بالای کادر قرار گرفته است، و ساختمان‌های ساده، دریایی طوفانی در پایین کادر نشان از یک اتفاق عجیب دارد. تری فان با ایجاد اغراق در تناسبات و آناتومی بدن هیولا توانسته است یک فضای خیالی، فانتزی و ماوراء طبیعی تصورات کودکان ایجاد کند.



تصویر ۱: تصویرسازی کتاب با نام تاریک‌ترین، تصویرگر: تری فان، ۲۰۱۷ م (URL15).

۱۰. جان کن^{۱۷}

جان کن مورتسنس (۲۳ فوریه ۱۹۷۸م) هنرمند دانمارکی که در کپنهاگ زندگی می‌کند. مورتسنس استاد کاغذ و قلم است که در طول روز از این مهارت‌ها به عنوان انیماتور و کارگردان برنامه‌های تلویزیونی کودک استفاده می‌کند، اما وقتی تاریکی فرود می‌آید، او به تخیل خود اجازه می‌دهد که از نوک قلمش انبوهی از هیولاها، ارواح و غول‌ها سرازیر شوند؛ جان کن به خوبی

¹⁵ Terry Fawn

¹⁶ Darkest nightmare

¹⁷ John ken



حس ترس را در مخاطب ایجاد می‌کند (تصویر ۱۲). در تصویرسازی‌های هیولا، مورتسنس با بیانی خطی و ساده هیولاهایی اغراق شده خلق کرده است. عظیم با هیکل‌هایی پشمالو، موجوداتی که فقط به چشم کودکان می‌آید را که در واقع تجلی ترس‌های دوران کودکی هنرمند می‌باشد، تلفیقی از دنیای واقعی و دنیای غیرواقعی را نشان می‌دهد.

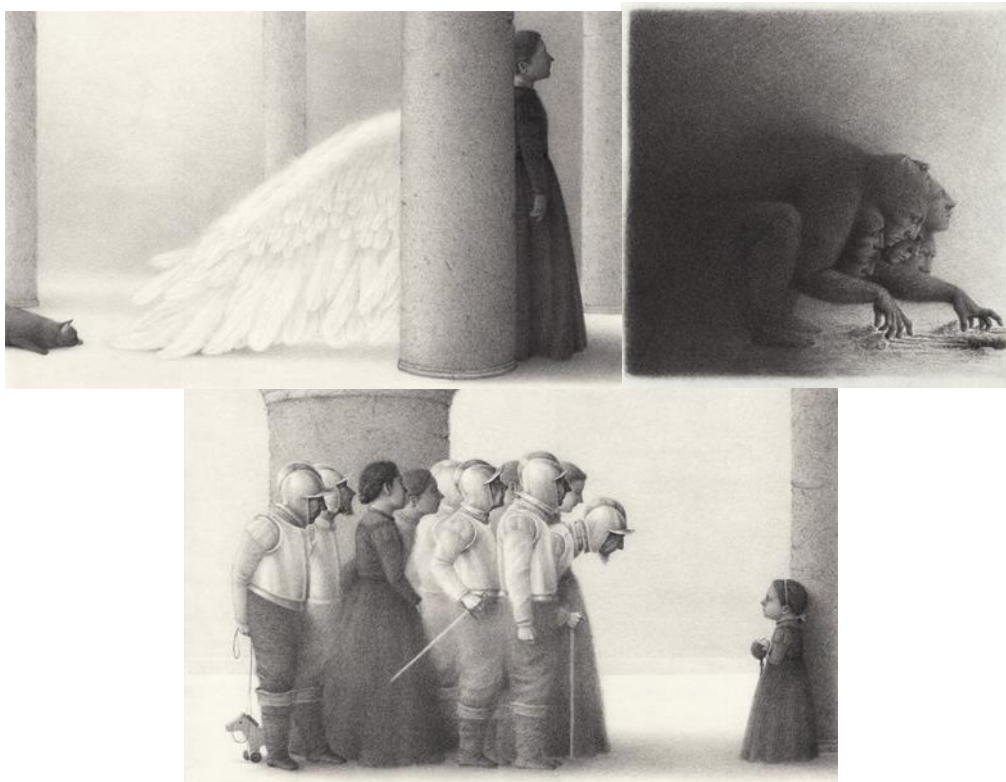


تصویر ۱۲: هیولایی، تصویرگر: جان کن مورتسنس، ۲۰۱۸ م (URL16).

۱۱. دیوید آلوارز^{۱۸}

دیوید آلوارز (۱۳ دسامبر ۱۹۵۶م) هنرمند مکزیکی که در آثارش مرز بین واقعیت و رویا را باهم ادغام کرده است. با وجود اینکه تنها از رنگ سیاه و سفید و زغال استفاده میکند اما همچنان موفق شده تصاویر غنی از بافت و کنتراست را ارائه بدهد! جزییات بالا، سایه روشن‌هایی که از فضاهای خالی بیرون زده که در برخی از قسمت‌ها، ویژگی‌های مهم آثار دیوید آلوارز است. (تصویر ۱۳).

¹⁸ David Alvare



تصویر ۱۳: فرشته، تصویرگر: دیوید آلوارز، ۲۰۱۸ م (URL17).

آلوارز در مجموعه "فرشته" برای بیان تصاویر سرگردان در ذهنش با استفاده از سایه و نور، و خلق نقاشی‌های سیاه و سفید به عنوان راه حل مورد علاقه‌اش در ذهنش دست به خلق تصاویری پر رمز و راز زده است؛ که سراسر بازتابی شاعرانه و خیال‌پردازانه دارد. آثار او واقعیت یک رویا را دارد، واقعیتی که واقعیت نیست. آخرین و شگفت‌انگیزترین مجموعه دیوید آلوارز به عنوان "خواب دیدم در خواب شب بود" است (تصویر ۱۴). اثر دارای فضایی خلوت و به دور از اغتشاش بصری اما کامل می‌باشد، شخصیت تصویر با کیفیتی محو و ابر مانند خود بیانگر حسی سبک و شاعرانه می‌باشد که با فرم‌هایی نرم و گرد اجرا شده است؛ علاوه بر عمق‌نمایی و پرسپکتیو نقطه‌ای در بخش کلبه دارای نوعی پرسپکتیو مقامی هم می‌باشد که همین تناقض در نوع بیان عمق‌نمایی، باعث ایجاد فضایی سوررئالیستی در اثر می‌کند.



تصویر ۱۴: خواب دیدم در خواب شب بود، تصویرگر: دیوید آلوارز، ۲۰۱۸ م (URL18).

مولفه های سورئالیسم در جهان											نام کتاب	هنرمندان
۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
				•						•	دیوار گرگ دارد	دیو مک کین
•	•					•				•	مرد شنی	دیو مک کین
				•					•		فیلم های کوتاه	دیو مک کین
	•		•	•							تخم مرغ	ام بی رابرتسون
		•		•	•		•		•		سیرک لینکولن	مارک ریدن
	•			•				•	•	•	صبح	آنا برزویسکایا
	•		•						•	•	نبرد دریایی	آنا برزویسکایا
•	•			•		•	•	•			شهر فرود می آید	جیک یرکالان
		•	•	•	•		•	•	•		بوفه بزرگ غربی	رکس ون مینن
	•	•		•		•		•	•	•	تنها سپیده به دیده می آید	یوهی هوریشیتا
		•		•	•	•	•	•			گرگ	نیک شییه
		•						•	•		قبل از آتش	نیک شییه
	•			•	•		•			•	تاریک ترین	تری فان
		•		•	•					•	هیولایی	جان کن
	•		•	•				•	•	•	فرشته	دیوید آلوارز
•		•	•	•		•					خواب دیدم در خواب شب بود	دیوید آلوارز

نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر جریان فراواقع گرایی بر تصویرسازی در آثار جهانی دهه هفتاد می باشد. پس از معرفی و آشنایی با آثار هنرمندان، به تحلیل آثار پرداخته شد و مولفه هایی را که نشان از وجود سبک سوررئالیسم در تصویرگری جهان می دهد ارائه شد. در پژوهش دهقان منگابادی مولفه های کلی بیان شده است. در این بخش علاوه بر پیدا کردن مولفه های دیگر، از تحقیق منگابادی هم در جهت بررسی درست کمک گرفته شد. با توجه به اینکه درمورد تکنیک و فنون هنرمندان سوررئالیست صحبت شد، نشان می دهد که این مولفه ها به عنوان یک اصل در آثار هنرمندان منتخب دیده می شود.

نتایج نشان داد مولفه های سبک سوررئالیسم در آثار هنرمندان تصویرگر جهان شامل چند مورد است. در آثار تصویرگران سوررئالیست خارجی با ترکیب کردن دو یا چند فضا مواجه هستیم که هر کدام هویت مستقل خود را حفظ کردن، تا بتوانند یک اثر یکپارچه را نشان بدهند. هنرمند تصویرگر برای خلق یک فضای سوررئالیستی از زاویه دید، ترکیب بندی درست عناصر نسبت به کادر، نور و سایه، پرسپکتیو و... استفاده کرده است. در اثر "مرد شنی" از دیو مک کین این مولفه به خوبی دیده می شود. دیو مک کین با قرار دادن چند فضا متفاوت در کنار هم یک فضای سوررئالیستی به وجود آورده است. هنرمند سوررئالیستی برای بیان رویاهای خود از ادغام عناصر بصری استفاده می کند که از نظر موضوع باهم متفاوت هستند و تلاش می کند یک عنصر یا مفهوم جدیدی را ایجاد کند؛ مانند مثال: برای بیان انسان یک گرگ است هنرمند از یک انسان با یک سر گرگ استفاده می کند.

مولفه ترکیب زمانی شکل می گیرد که هنرمند در ترکیب عناصر، شباهت فرم و ارتباط دو موضوع را در نظر نداشته باشد. در این مولفه هنرمند برای ایجاد یک فضای سوررئال و رویاگونه علاوه بر ترکیب عناصر بدون در نظر گرفتن شباهت فرمی از مولفه



چند پاره شدن فضا هم استفاده می‌کند. **مولفه جایگزینی** شباهت به ترکیب دارد؛ اما تنها تفاوت جایگزینی با ترکیب این بوده است که در جایگزینی یکی از موضوعات به خاطر شباهت دیداری یا مفهومی جایگزین دومین موضوع می‌شود. تصویرگر با استفاده از شکستن مرزها به صورت اتفاقی با استفاده از تلفیق اشیاء بی‌ربط و ناهمگون، الگوی ذهنی مخاطب را از بین می‌برد و باعث ایجاد یک فضای جدید که برای مخاطب آشنا نیست می‌شود. در اثر "گرگ" از نیک شییه هنرمند از این مولفه و اغراق استفاده کرده است؛ مهم‌ترین هدف هنرمند سوررئالیستی شکستن چارچوب‌ها و تعهدات است.

زمانی که هنرمند با در نظر گرفتن مفهوم متن یا ارتباط با قهرمان داستان به یک عنصر بی‌جان، روح و جان داده می‌شود مانند یک شخصیت کتاب که مانند انسان اجزاء صورت دارد. در بیشتر آثار تصویرگران سوررئالیست، اغراق به عنوان یک اصل در نظر گرفته می‌شود. هنرمندان از این مولفه برای روشن کردن، تأکید و طنزآمیزی موضوع استفاده می‌کنند؛ از این طریق ذهن بیننده دچار تضاد، تنش و درگیر کنار آمدن با ناهمخوانی‌ها می‌شود. پیامد استفاده از این مولفه، برجسته کردن ویژگی‌های مثبت و منفی اثر که گاهی باعث تفسیر جدیدی می‌شود. برای ایجاد کردن این مولفه تصویرگر از تغییر اندازه و تناسبات در کل فضا یا اجزاء، و گاهی اغراق در موضوع استفاده می‌کنند. **مولفه فراداستان** بیشتر در ارتباط با متن داستان است. هنرمند سوررئالیست کمتر به هماهنگی متن با تصویر اهمیت می‌دهد. گاهی خود داستان به کمک تصویرگر می‌آید یا هنرمند با خلق فضایی جدید به یک تفسیر متفاوت از متن کمک می‌کند.

مهم‌ترین مولفه تصویرگران سوررئالیست در جهان، استفاده از عجایب‌نگاری است که خود می‌تواند یک پژوهش جداگانه با همین عنوان باشد. عجایب‌نگاری زاده تخیل، که هنرمند با قدرت خیال خود آن را به وجود می‌آورد، که با کمک موضوعات، شکل‌ها و فضاهای فانتزی عجیب این مولفه را در اثر خود ایجاد می‌کند. در این مولفه مرزهای بین واقعیت و رویا مبهم بوده است، مانند: ترکیب یک فضای رئالیست فانتزی که لبریز از تخیل، واقعیت و رویا است. تصویر به نام "فرشته" از دیوید آلوارز و "شهر فرود می‌آید" با تصویرسازی جیک یرکالان، در اثر خود از این مولفه استفاده کرده‌اند. مولفه‌هایی که ذکر شده اگر در یک اثر همراه با زاویه دید متفاوت قرار بگیرند حکم مکمل را دارد. زاویه دید متفاوت می‌تواند معنا و مفهوم جدیدی را به مخاطب القا کند و ایجاد یک فضای جدید جنبه خیال‌پردازی دارد و ورود به حوزه رویا می‌شود؛ اما نمی‌توان گفت که این مولفه به عنوان یک اصل در نظر گرفته شده باشد، خیلی از هنرمندان سوررئالیسم با یک زاویه دید معمولی اثر سوررئالیستی متفاوتی را خلق کرده‌اند مانند تصویر به نام "بوفه بزرگ غربی" از کریستین ون مینن. اگر یک تصویرگر بخواهد یک فضای سوررئالیستی ایجاد کند اولین مولفه معلق بودن عناصر در فضا است که در اثر "خواب دیدم در خواب شب بود" از دیوید آلوارز، فضای داستان یک خلاء و رمزآلود بودن را نشان می‌دهد که عنصر اصلی داستان در فضا معلق است.



منابع

- احمدی، بابک؛ (۱۳۹۱)، حقیقت و زیبایی، چاپ بیست و پنجم، تهران: مرکز.
- افشار مهاجر، کامران؛ (۱۳۸۸)، تصویرسازی در مطبوعات ایران، مجله حرفه هنرمند، شماره ۳۰، ص ۲۳.
- اکرمی، جمال‌الدین؛ (۱۳۹۴)، کودک و تصویر چیستارهایی در تصویرگری کتاب‌های کودکان و نوجوان، چاپ دوم، تهران: سروش.
- بیگزبی، سی.و. ای؛ (۱۳۹۵)، دادا و سورئالیسم، ترجمه حسن افشار، چاپ هشتم، تهران: مرکز (چاپ به زبان اصلی ۱۹۹۹م).
- جونز، فلیپ روبرت؛ (۱۳۸۷)، ماگریت شاعر خیال، ترجمه وحید حکیم، مجله حرفه هنرمند، شماره ۲۴، صص ۸۸-۹۱.
- سید حسینی، رضا؛ (۱۴۰۰)، مکتب‌های ادبی، چاپ بیست و سوم، تهران: نگاه.
- فتوحی، محمود؛ (۱۳۹۷)، بلاغت تصویر، چاپ پنجم، تهران: سخن.
- گمبریج، ارنست هانس؛ (۱۳۹۵)، تاریخ هنر، ترجمه علی رامین، چاپ هشتم، تهران: نی (چاپ به زبان اصلی ۲۰۰۴م).

منابع اینترنتی:

- URL1: <https://www.gooshe.net/>
- URL2: <https://www.cbr.com/>
- URL3: <https://yoheyhorishita-tumblr-com>
- URL4: <https://www.gooshe.net/yohey-horishita/456>
- URL5: <https://mackenziesdragonsnest.wordpress.com/tag/m-p-robertson/7>
- URL6: <https://wowxwow.com/artist-profile/john-kenn-mortensen>
- URL7: <http://www.thefanbrothers.com>
- URL8: <https://arthur.io/art/nick-sheehy/before-the-fire>
- URL9: <https://www.foxwood.sg/artist-spotlight-james-jean/>
- URL10: <https://www.artistaday.com/>
- URL11: <https://www.jaski.nl/artists/mark-ryden/>
- URL12: <http://www.christianrexvanminnen.com/>
- URL13: <http://www.christianrexvanminnen.com/>
- URL14: <https://www.redseagallery.com/artists/anna-berezovskaya/featured-works?view=slider#6>
- URL15: <https://varune.com/>
- URL16: <https://asarartmagazine.ir/21586/artist>
- URL17: <https://esam.ir/item/17309965>
- URL18: <https://www.iranketab.ir/book/27032-yek-harf-do-harf>



Abstract:

The aim of the current research is to investigate the influence of the surrealism flow on the depiction in the world works of the seventies. The research method is descriptive and analytical using library resources. The results showed that the components of the surrealism style in the works of illustrators of the world include several items. In the works of foreign surrealist illustrators, we are faced with combining two or more spaces, each of which maintains its own independent identity, so that they can represent a unified work. A surrealist uses the integration of visual elements to express his dreams. The composition component is formed when the artist does not consider the similarity of form and connection between the two subjects in the combination of elements. In this component, in order to create a surreal and dream-like space, in addition to combining elements without considering the similarity of form, the artist also uses the component of space fragmentation. The replacement component is similar to composition; But the only difference between replacement and combination is that in replacing one of the subjects due to visual or conceptual similarity, the illustrator replaces the second subject by breaking the boundaries randomly by combining unrelated and dissimilar objects, destroying the mental model of the audience. takes away and creates a new atmosphere that is not familiar to the audience. The surrealist artist cares less about the harmony of the text with the image. Sometimes the story itself helps the illustrator or the artist helps a different interpretation of the text by creating a new space. The most important component of surrealist illustrators in the world is the use of surrealism.

Keywords: Surrealism trend, illustration, global works of the seventies, integration of visual elements